

تبیین اصول و مبانی حکومت اسلامی از دیدگاه دکتر محمد اسد

محسن حاکمی

دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران. تهران. ایران.

Mehrab1404@gmail.com

میشم جعفری

دانشجوی دکتری مدیریت دولتی دانشکده علوم اقتصادی و اداری دانشگاه لرستان. خرم‌آباد. ایران.

jafari.me@fc.lu.ac.ir

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی اصول و مبانی حکومت اسلامی از دیدگاه محمد اسد است. در واقع این پژوهش براساس ترجمه کتاب ارزشمند اصول حکومت اسلامی اثر دکتر محمد اسد، در پی شناخت آرا و دغدغه‌های دکتر محمد اسد درباره پیدایش و تشکیل حکومت اسلامی بر پایه شریعت و قوانین اسلام است که با برپایی چنین حکومت دولتی در واقع مدیریت اسلامی محقق خواهد شد. کتاب اصول و مبانی حکومت اسلامی دکتر محمد اسد اولین بار در ۱۹۶۱ به چاپ رسیده و به زبان‌های مختلفی ترجمه شده است و اکنون برای اولین بار به زبان فارسی ترجمه شده است. این پژوهش چکیده‌ای از کتاب ترجمه‌شده دکتر محمد اسد است. پژوهش حاضر براساس روش کیفی تحلیل انتقادی تدوین شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که دغدغه اصلی دکتر محمد اسد شکل‌گیری حکومتی اسلامی بر پایه شریعت و قوانین اسلام است؛ سپس ایشان برای حل و فصل مسائل روابط بین‌قوا را ایجاد کرده و برای تشکیل دولت مسانلی چون شورا و قواها را مطرح کرده است و بنیان‌ها و پایه‌های اساسی شکل‌گیری یک حکومت اسلامی را که در دل آن مدیریت اسلامی قرار دارد، بیان می‌کند.

کلیدواژه‌ها: مدیریت، حکومت، حکومت اسلامی، دکتر محمد اسد.

مقدمه

نام اصلی ایشان محمد اسد لئوپولد وایس است؛ در سال ۱۹۰۰ در شهر لوتی غربی گالیسیا در خانواده‌ای یهودی متولد شد. در دانشگاه وین در رشته تاریخ هنر تحصیل کرد. در ۱۹۲۱، خبرنگار تلگراف یونایتد شد و در ۱۹۲۲ به قدس رفت و بعد از آن به کشورهای مختلف خاورمیانه سفر کرد. در ۱۹۲۷ اسلام را دین واقعی دانست و مسلمان شد. تا سال ۱۹۳۲، به‌طور گسترده در عربستان سفر کرد. بعدها در تشکیل دولت پاکستان شرکت کرد. در ۱۹۴۷، رئیس بخش خاورمیانه وزارت امور خارجه پاکستان و عضو مؤسسه بازسازی اسلامی شد. در ۱۹۵۲، نماینده سازمان ملل پاکستان شد. مدت کوتاهی پس از آن، پست خود را ترک کرد و راهی مکه شد. سال‌های بعدی خودش را صرف آماده‌کردن کتاب پیام‌های قرآنی به نام تفسیر میل کرد و در ۱۹۹۲ در اسپانیا درگذشت. آثار محمد اسد عبارت‌اند از: *Unromantiseles Morgenland*؛ فرانکفورت، ۱۹۲۴؛ جاده مکه، ۱۹۶۵؛ اصول دولت و حکومت در اسلام (اسد، ۱۹۶۱: ص ۵). محمد اسد مدیر مؤسسه دولتی «اداره بازسازی مجدد اسلام» بود که مسئولیت ایجاد بنیادهای فکری و اجتماعی را بر عهده داشت. قانون اساسی آینده پاکستان درباره مسائلی بود که سعی داشت آن‌ها را حل و فصل کند. اکثر مردم به شدت از ایده ایجاد حکومت واقعی اسلامی که صرفاً براساس ایدئولوژی قرآن و سنت است، برخلاف همه سیستم‌های موجود سیاسی و مبتنی بر ملی‌گرایی و پایه‌های نژادی، حمایت می‌کنند اما دولت نیز هویت منحصر به فرد بودن را به آن می‌دهد؛ باین حال، درک درستی از شیوه‌های مدیریتی نداشتند، مدیریتی که بتواند به‌طور کامل نیازهای مردم را برآورده کند. به منظور افزودن رنگ اسلامی به ترتیبی که ارائه دادند، اشاره به قانون اساسی به‌عنوان «دولت و معجزات و احتمالاً ایجاد ریاست در امور مذهبی» به دنبال تحریک احساسات اکثریت قریب به اتفاق مردم بودند (اسد، ۱۹۶۱: ص ۱۱).

برخی از دانشمندان مسلمان از دوره‌های اولیه، به‌ویژه دوره عباسی، بسیاری از آثار را از قانون سیاسی اسلام به ارث برده‌اند، اما رویکردشان به مشکلات به‌طور طبیعی تحت تأثیر فضای فرهنگی فعلی و نیازهای اجتماعی و سیاسی زمان خود قرار گرفت؛ بنابراین، این مطالعات برای پاسخ‌دادن به نیازهای یک دولت اسلامی در قرن بیستم کافی نیست. از سوی دیگر، کارهای کنونی نویسندگان معاصر مسلمان در این زمینه اغلب اشتباه است و در پذیرش مفاهیم، نهادها و روش‌های سیاسی اروپای مدرن به‌عنوان قاعده‌ای که یک دولت اسلامی مدرن باید اطاعت کند، بسیار عجولانه است. این نگرش منجر به پذیرش بسیاری از مفاهیم توسط نویسندگان شده است که در بسیاری

موارد به شدت مخالف نیازهای واقعی ایدئولوژی اسلامی است (اسد، ۱۹۶۱: ص ۱۴). بازگشت به منابع اصلی قانون اسلامی، قرآن و سنت و قرارداد بنیاد مشخص قانون اساسی، مستقل از تمام آثار نوشته شده در دولت اسلامی، به منظور تحقق هدف ایجاد حکومت اسلامی لازم و ضروری است. برطبق دیدگاه محمد اسد، هیچ‌یک از کشورهای مسلمان موجود به ساختار دولتی، که می‌تواند به معنای واقعی کلمه به معنای اسلامی نامیده شود، قائل نیستند؛ حداقل برای افرادی که معتقدند اسلام نماینده حاکمیت غالب در زندگی افراد است (اسد، ۱۹۶۱: ص ۱۹). محمد اسد (اندیشمند پاکستانی) به دلیل انتشار کتب و مقالات متعدد در این زمینه و براساس تجربیات فراوان در سازمان ملل و دیدگاه‌های اسلام‌گرایانه‌ای که داشته است و همچنین، از لحاظ زمانی که به عصر کنونی نزدیک‌تر است و براساس واکاوی‌های متعددی که با بررسی مسائل در جوامع غربی و شرقی و زمان پیامبران داشته است به اصولی یکپارچه در باب حکومت اسلامی رسیده است که براساس زمان و شرایط مقتضی در آن کشور باید رعایت شود و در این پژوهش دیدگاه‌های وی مورد بررسی قرار گرفته است.

محمد اسد با بررسی‌هایی که در زمینه مدیریت، اسلام و حکومت اسلامی انجام داده است همواره به ارائه دیدگاه‌های خود در زمینه مدیریت و حکومت اسلامی از دید قرآن و اسلام پرداخته است. اهداف اصلی تحقیق حاضر بررسی مبانی و اصول حکومت اسلامی از دیدگاه محمد اسد (اندیشمند پاکستانی) و پاسخ به سؤال اصلی تحقیق است مبنی بر اینکه «دیدگاه محمد اسد در زمینه مبانی و اصول حکومت اسلامی چیست؟» در ادامه تحقیق به این موارد پرداخته خواهد شد.

اهداف تحقیق

هدف اصلی تحقیق: بررسی مبانی و اصول حکومت اسلامی از دیدگاه محمد اسد (اندیشمند پاکستانی).

اهداف فرعی:

۱. بررسی دولت اسلامی از دیدگاه دکتر محمد اسد،
۲. بررسی حکومت براساس انتخابات و اهداف دولت اسلامی از دیدگاه محمد اسد،
۳. بررسی نقد دال محوری نظریه حکومت اسلامی از دیدگاه دکتر محمد اسد.

سؤالات تحقیق

سؤال اصلی: دیدگاه دکتر محمد اسد در زمینه مبانی و اصول مدیریت اسلامی چیست؟

سؤالات فرعی:

۱. دیدگاه محمد اسد در زمینه بررسی دولت اسلامی چیست؟
۲. دیدگاه محمد اسد در زمینه بررسی حکومت براساس انتخابات و اهداف دولت اسلامی چیست؟
۳. نقد دال محوری نظریه حکومت اسلامی از دیدگاه دکتر محمد اسد چیست؟

مبانی نظری تحقیق

دولت اسلامی

جدایی ناپذیری مذهب از سیاست، که یکی از ویژگی‌های متمایز تاریخ اسلام است، ایده‌ای نیست که توسط مسلمانانی که در یک تفکر صرفاً سکولار با آموزش مدرن غربی آموزش دیده‌اند، پذیرفته شود؛ از سوی دیگر، فرد نمی‌تواند اسلام را به درستی ارزیابی کند، مگر اینکه به این مسئله اهمیت واقعی داده شود. کسی که به‌طور سطحی در مورد آموزه‌های اسلام آگاه است، می‌داند که آموزه‌های اسلام نه تنها روابط انسان با خالق را تنظیم می‌کند، بلکه نظم اجتماعی را نیز فراهم می‌کند. اسلام این هدف را از طریق یک قانون الهی به نام «شارح مختلف» انجام می‌دهد. شیعه از مقررات قرآن کریم تشکیل شده است و توسط آموزه‌های پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله و سلم) پشتیبانی می‌شود که ما آن را سنت یا شیوه زندگی می‌نامیم. مؤمن معتقد است که قرآن و سنت را خدا روشن کرده است که همه چیز را در خلقت جهان دربر می‌گیرد. مؤمن معتقد است که قرآن و سنت در ارتباط با انسان و بیان چیزی است که خداوند از ما می‌خواهد (اسد، ۱۹۶۱: ص ۲۶).

دین و اخلاق

مسائل اخلاقی در مرزهای علم نیست و بالعکس آن، مسائل اخلاقی کاملاً و تنها در محدوده دین قرار دارند.

بدون قرارگرفتن تحت تأثیر تغییرات ناگهانی در شرایط محیطی، از طریق تجربه مذهبی می‌توان برخی از ارزش‌های اخلاقی خود را «درست یا غلط» تعیین کرد؛ زیرا هر مذهب، حداقل از لحاظ نظری، می‌تواند در نتیجه‌گیری‌های خود در مورد جهان غیرواقعی اشتباه داشته باشد. مذهب تنها

می‌تواند بین یک «هیچ»، که مورد تحسین و قبول قرار می‌گیرد و شر و بدی، که باید از آن اجتناب شود، توافقی فراهم کند. آگاهی مذهبی انسان در دوره توسعه انسانی گذرا نیست. دین منبع اصلی انواع تفکر اخلاقی و مفهوم اخلاقی انسان است. دین محصول آگاهی از دوره‌های ابتدایی بشریت نیست. آگاهی مذهبی، در یک عبارت مختصر، یکی از ویژگی‌های طبیعی است که در روح انسانیت قرار می‌گیرد (اسد، ۱۹۶۱: ص ۲۸).

عرضه شریعت اسلامی

این یک واقعیت شناخته شده است که همه دستورها و ممنوعیت‌های حقوق‌دانان مسلمان براساس قرآن یا سنت تعیین می‌شود. بیشتر مفاهیم فقه، بازتابی از تجلیات است که عمدتاً به روش مقایسه در روش‌های گوناگونی از قضاوت‌ها به دست آمده است. فقه اسلامی در گذشته مقررات خود را بر پایه کار عمیق در کتاب خدا و قرآن انجام می‌داده است. با این حال، مقرراتی که تعیین شد، عمدتاً محلی بود. تحت تأثیر این رویکرد، سبک منحصر به فرد خود، تفسیر شخصی‌اش از منابع شریعت، قرآن و سنت و همچنین، محیط فکری و اجتماعی که عصر خود را به وجود می‌آورد، تحت تأثیر قرار گرفته است. از آنجاکه محیط در زمان گذشته بسیار متفاوت از محیط معاصر است، طبیعی است که این مقررات با برخی از نتایج که به دست می‌آید مطابقت نداشته باشد. شاید این یکی از دلایلی است که بسیاری از مسلمانان در عصر ما در استفاده از قضاوت‌های فقه گذشته برای حل مسائل سیاسی و اقتصادی تردید دارند (اسد، ۱۹۶۱: ص ۳۳).

شریعت تمام اهمیت و تلاش خود را به چیزهایی اختصاص داده است که شرع (قانون‌گذار) به صراحت دستور داده و ممنوع کرده است؛ اینکه شرع مجازات را محدود نمی‌کند یا به طور صریح اعمال یا ممنوعیت را قبول نمی‌کند. خواننده نباید ایده‌های یاد شده را به عنوان یک حرکت اصلاحی در اندیشه اسلامی پذیرفته باشد. دیدگاه اول از پیروان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و سپس برخی از محققان برجسته امت پذیرفته شده است، مانند ابن حزم اندلسی (۴۵۶-۳۸۴ ه.ق) که یکی از بزرگ‌ترین اندیشمندان در تاریخ جهان اسلام است (ابن حزم، ۲۰۱۷: ص ۲۴). با توجه به قرآن و سنت (که گاهی از فقه نسل‌های پیشین بهره‌مند می‌شود)، فقهی که توسط فقها ساخته می‌شود توسط نسل‌های آینده تجدیدنظر یا تصحیح می‌شود؛ به عبارت دیگر، قانون محکمه بر پایه واژگان و مبانی شریعت است که برای همیشه تغییر نخواهد کرد. از آنجا که شریعت یک وحی الهی است، با توجه به اینکه هیچ‌کدام از مقررات به هیچ وجه برخلاف شخصیت و نیازهای دائمی

انسانیت نیست، نمی‌توان ویژگی‌های این شریعت را که توسط قرآن و سنت نشان داده شده است جمع‌آوری کرد که در هر مرحله از اکتشاف بشری اعمال شود (بلاذری، ۲۷۹م. ص: ۴۴۷).

اشکال سیاسی اسلام

نقطه مهمی از قانون اساسی حکومت اسلامی در دوران اولیه اسلام به طرق مختلف حل شد که دوران خلفا نامیده می‌شود. اگر چنین نبود، اسلام از یک شیوه زندگی تکراری دائمی می‌شد و این امر باعث می‌شد که در تقلید کورکورانه از آنچه در گذشته بوده به سر برد. اما حقیقت این است که اسلام به طور مداوم خواستار پیشرفت در جنبه‌های اجتماعی و همچنین، جنبه‌های سیاسی زندگی است. عصر خلیفه‌ها شروع خوبی برای سیاست‌های اسلامی بود و تا زمان امام علی (علیه السلام)، حکومت اسلامی در قالب عناصری که در زمان ایشان اتفاق افتاد، در حال توسعه بود. این پیشرفت، مانند رشد یک عضو زنده، یک پیشرفت مداوم است که با هر فتح جدید، هر دانش جدید اداری رخ می‌دهد (اسد، ۱۹۶۱: ص ۳۷).

یک حکومت براساس انتخابات و اهداف دولت اسلامی

هدف اصلی دولت اسلامی این است که از وجود ارگان‌های سیاسی اطمینان حاصل شود که وحدت امت اسلامی و همبستگی افراد امت را تضمین می‌کند. خداوند می‌فرماید:

«با هم، محکم بر روی طناب خدا نگه داشته و در ارتباط با یکدیگر باشید و به خاطر نعمت‌هایی که الله به شما داده است به یاد داشته باشید هنگامی که شما دشمنان یکدیگر بودید، قلب‌هایتان را با هم متحد کردید و با فضل خود برادر شدید و از لبه پرتگاه آتشین محافظت کردید؛ به این ترتیب، خدا پیام‌هایش را به شما نشان می‌دهد. به طوری که شما ممکن است راهنمایی و شاید جامعه‌ای را پیدا کنید که شما را به خیر دعوت می‌کند، به درستی فرمان می‌دهد و از انحراف و ناسازگاری می‌برد؛ کسانی که نجات نهایی را به دست خواهند آورد (بقره: ۲۷۸)».

از این دو آیه می‌توان دید که حکومت اسلامی فقط یک وسیله است. هدف این است که جامعه‌ای را به خیر و عدالت سوق دهد، حق را به رسمیت بشناسد و توطئه‌های غربی را از بین ببرد؛ به عبارت دیگر، اطمینان حاصل شود که با توجه به قانون فکری خدا، اسلام شرایط زندگی افراد بیشتری را فراهم می‌کند. برای رسیدن به این هدف، برادری قوی وجود دارد که اعضای جامعه را به هم متصل می‌کند؛ بنابراین، قرآن می‌گوید: «مؤمنان برادران هم هستند» (اسد، ۱۹۶۱: ص ۴۰).

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز این احکام را در حدیث‌های مختلف تأیید کرده است: «ایمان‌داران مانند سازه‌هایی هستند که یکدیگر را تقویت می‌کنند. «مسلمان» برادر مسلمان است، او را آزار نمی‌دهد و او را به دشمن خود تبدیل نمی‌کند».

ملی‌گرایی در تمام اشکالش با اصل برابری در میان مردم مخالف است؛ بنابراین، نباید به عنوان پایه‌ای از وحدت اسلامی باشد. آموزه‌های قرآن و سنت تقاضا می‌کنند که وحدت اسلامی بر شخصیت برادری اثر بگذارد که از بنیاد واحد فراتر از همه انواع نژاد، میهن و زبان و از همه مردم با یک اعتقاد و یک دیدگاه اخلاقی متحد باشد. با توجه به اسلام، تنها وحدت ایمان و اخلاق می‌تواند مبنای قانونی برای متحدکردن مردم باشد؛ اما از سوی دیگر، هنگامی که به سرنگونی منافع واقعی یا خیالی یک ملت یا منطقه بر ارزش‌های اخلاقی می‌رسد، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دقیقاً واضح آن را ممنوع کرده است: «این از ما نیست که خواستار نژادپرستی باشد. این از ما نیست که برای نژادپرستی مبارزه کند. این از ما نیست که برای نژادپرستی فوت کند» (اسد، ۱۹۶۱: ص ۴۷). برای کمک به برادر خود، چه بی‌رحم و چه مظلوم، به او احترام بگذارید. بر این اساس، جلوگیری از ظلم و بی‌عدالتی به انسان و حفظ عدالت در زمین، هدف نهایی نظم اجتماعی اسلام است: «شما یک جامعه بشری برای خیر بشر هستید؛ تو به عدالت فرمان می‌دهی و امت را حفظ می‌کنی...» (بخاری جعفری، ۲۵۲، ج ۸: ص ۹۹).

بر این اساس، ارزش‌های اخلاقی جامعه اسلامی می‌افزاید: «شما فرمانروایی می‌کنید، از شر اجتناب می‌کنید. همان‌طور که هستی یا سقوط دولت اسلامی به نمونه عالی عدالت بستگی دارد که برای مسلمانان و غیرمسلمانان یکسان است. درحقیقت، دولت اسلامی چیزی بیش از سازوکارهای سیاسی است که برای دستیابی به این هدف بزرگ ایجاد شده است؛ برای محافظت از استقلال اجتماعی و فرهنگی خود، برای اطمینان از امنیت واقعی آن‌ها در باورهای مذهبی و عبادت، برای محافظت از میهن از دشمنان خارجی و تکه‌تکه شدن داخلی و آموزش به اسلام و گسترش دین اسلام به وسیع‌ترین محدودیت‌های ممکن. هنگامی که دولت این اهداف را به دست می‌آورد، این حق را دارد که حداقل به‌عنوان خلیفه خدا بر روی زمین در این منطقه تحت حکومت خود واجد شرایط باشد (اسد، ۱۹۶۱: ص ۵۲).

رئیس دولت

هدف اصلی تنها می‌تواند به منظور ایجاد یک نظم درونی باشد که در آن شریعت اسلامی در هر

جنبه‌ای از زندگی اجتماعی اعمال می‌شود. بر این اساس، واقعیت این است که نمی‌توان دولت را به هیچ کس، غیر از مسلمان که به شریعت و منبع الهی اعتقاد دارد، تحمیل کرد. بدون وجود یک دولت اسلامی تلاش برای زنده نگه‌داشتن یک زندگی اسلامی غیر ممکن است؛ پس تبدیل شدن دولت به یک دولت اسلامی امکان‌پذیر نیست، مگر اینکه مکانیسم‌های دولت در دست کسانی باشد که با اراده و صداقت خود به آموزه‌های اسلامی می‌رسند (اسد، ۱۹۶۱: ص ۵۷). باید آشکارا اعتراف کرد که عدم تمایز بین مسلمان و غیرمسلمان، حکومت اسلامی را قربانی می‌کند؛ علاوه بر این، تلاش برای پنهان کردن این حقیقت نیست که جهان و مسلمانان را به نحوی صحیح و آرام در نظر گرفت. این موضوع قطعاً به این معنی نیست که دولت ما حقوق حیاتی غیرمسلمانان را از بین خواهد برد، چنین چیزی امکان‌پذیر نیست؛ برعکس، آن‌ها به هر گونه آزادی و حمایت از حقوق قانونی که توسط یک شهروند مسلمان اجرا می‌شود باور دارند (ابوداوود، ۱۴۱۲ق: ص ۱۲۷).

اصل شورا

قانون در حکومت اسلامی به مسائل خاص در حوزه امور دولتی و زندگی اجتماعی مربوط می‌شود. شریعت هرگز در این نوع مسائل دخالت نکرده و خود را با اصول کلی تطبیق داده است. در هر دو مورد، شرع امت اسلامی را آزاد می‌گذارد تا قوانین را مطابق با الزام‌های زمان، با توجه به روح شریعت، از طریق اجتهاد تصویب کند (اسد، ۱۹۶۱: ص ۵۹). قرآن کریم باید به‌عنوان یک کتاب مؤثر و اساسی از اندیشه اسلامی مربوط به اداره امور دولتی دیده شود. درک این نکته نباید دشوار باشد که اثرات قرآن گسترش داده شود و همه چیز از جزئیات زندگی سیاسی ما را دربر بگیرد؛ از آنجا تحمیل معانی ناخواسته و غیراصولی موجب آشفتگی و تفتیش ذهن مردم خواهد شد (ابن حنبل، ۱۴۱۶: ص ۳۸۷).

روابط متقابل بین نهادهای قانونی و اجرایی

ارگان‌ها بر پایه یکدیگر قرار گرفته‌اند؛ یعنی اساس شوراها و کسانی که تصمیم می‌گیرند همه امور مشترک را از طریق رایزنی میان آن‌ها انجام دهند (شوری: ۳۸). شورا اساساً نیازمند این است که امیر در میان اعضای مجمع باشد. از آنجا که امیر توسط مردم به‌عنوان رئیس دولت انتخاب می‌شود، باید در کلیه موارد عمومی، وظایف خود را به‌عنوان اولین نماینده جامعه اعمال کند. این

اصل اساسی، به این معنی که جدایی کامل بین قوه مقننه و مجریه در دولتی که تسلیم مفاد شریعت آسمانی است وجود ندارد، از مهم‌ترین اصولی است که اسلام به نظریه سیاسی ارائه می‌دهد (اسد، ۱۹۶۱: ص ۶۱). جدایی شدید و قطعی بین دو ارگان در کشورهای دموکراتیک غرب به مثابه مهم‌ترین ضمانت در برابر سوءاستفاده از اختیارات اجرایی توسط دستگاه اجرایی تلقی می‌شود؛ بنابراین، اسلام دو ارگان (قانون‌گذاری و اجرایی) را از هم جدا نکرده است (اسد، ۱۹۶۱: ص ۶۴).

تحلیل تاریخی

تاریخ نشان می‌دهد که در دوره خلفا هیچ هیئت قانون‌گذاری به معنای معاصر وجود نداشت. باین حال، شکی نیست که خلیفه‌ها از طریق رایزنی‌های مربوط به کلیه موضوع‌های مهم سیاست دولت، دیدگاه‌های قابل توجه جامعه را دریافت کردند. اما نه از برگزیدگان جامعه خواسته شد تا نظرات خلیفه را بخوانند و نه خلیفه موظف بود در هر موقعیت و موضوعی آرا را بپذیرد. خلیفه مشاوره‌های خود را انجام داد، سپس اوضاع را از هر طریق اداره کرد و مسیری را که از نظر وی مناسب بود، دنبال کرد (اسد، ۱۹۶۱: ص ۶۶). اما جامعه اسلامی معاصر، مانند سایر جوامع متمدن، مدت‌هاست که از ویژگی‌های جامعه قبیله‌ای فاصله گرفته است؛ بنابراین، رهبری قبیله شخصیت نماینده سابق خود را از دست داده است. بر این اساس، راه دیگری برای درک افکار عمومی وجود ندارد. در مواردی که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، این رأی‌گیری باید به شکل همه‌پرسی باشد. تا امروز، هیچ‌کس نتوانسته است راه حل بهتری نسبت به مسیر انتخاباتی ارائه دهد که این امر به آن‌ها امکان می‌دهد تا با اراده آزاد نمایندگان خود، نظرات خود را در مجمع شورا بیان کنند تا بتوانند قوانینی را تصویب و در امور سیاسی مشاوره انجام دهند.

هیئت اجرایی

دولت اسلامی باید براساس همبستگی بین دستگاه‌های اجرایی و قانون‌گذاری، که در شخصیت فرمانده متحد هستند، اداره شود (اسد، ۱۹۶۱: ص ۷۱). شرع رئیس جمهور اسلامی را موظف به رعایت قوانین شورا و تصمیم‌هایی می‌کند که در مورد موضوعاتی است که مستقیماً با سیاست داخلی و خارجی دولت مرتبط هستند. ضروری است که رئیس جمهور اسلامی اختیارات اجرایی خاصی داشته باشد. برای دور نگه داشتن آن از برخی سوء استفاده از قدرت‌ها و یا نمایشی جلوه دادن پست آن (برای مثال رئیس جمهور فرانسه و ملکه انگلیس) است (ابن حازم، ۲۰۱۷م: ص ۴۲۱).

ساختار دولت

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فکر می‌کردند که تمام اختیارات اجرایی باید به یک نفر واگذار شود (که او گاهی اوقات شخص را با کلمه «امام» می‌خواندند). به نظر می‌رسد که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) این فرم را مناسب‌ترین شکل برای حکومت اسلامی می‌دانستند. کسی که با یک امام بیعت می‌کند (و اعلام می‌کند که با دست خود بیعت کرده است) و اگر این کار را در قلبش انجام دهد، اگر توانایی آن را داشته باشد، از او پیروی می‌کند، اگر شخص دیگری بیاید و مشاجره کند، گردن دیگری را بزنید (بلاذری، ۲۷۹ م.: ص ۳۵۹).

شورای وزیران اختیارات اجرایی خود را به اشتراک می‌گذارد که هر کدام می‌توانند شخصاً در مقابل قوه مقننه پاسخگو باشند. در این صورت، منبع واقعی دستگاه اجرایی توده‌های نماینده در مجلس خواهند بود. از «سیستم پارلمانی» در اروپا، جایی که یک سیستم مشابه با سیستم ریاست جمهوری در ایالات متحده نیازهای دولت اسلامی را برآورده می‌کند و کابینه وزاری را که به صورت جداگانه و جمعی در برابر قوه مقننه مسئولیت‌پذیر هستند و بخش مهمی از قدرت‌های اجرایی را در نظر می‌گیرد، پیش‌بینی می‌کند مشخص شده است که اسلام بیشتر می‌تواند به اهداف خود برسد. برای روشن شدن بیشتر موضوع باید گفته شود که تمام اختیارات و وظایف اداری باید به تنهایی به فرمانده سپرده شود و او باید در قبال سیاست دولت در مقابل شورا و در برابر مردم پاسخگو باشد. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از کلمه «وزیر» استفاده کرده است که در بسیاری از احادیث برای حل مشکلات دولت به کار رفته است و او به‌جز شخصی است که به رئیس دولت در مسئولیت‌های اداری خود کمک کرده است (اسد، ۱۹۶۱: ص ۷۴).

ادغام نهادهای قانونی و اجرایی

اتخاذ هر قانون مهمی مستلزم ترکیبی از بسیاری از مطالعات و تحقیقات تخصصی و آگاهی گسترده از الزامات اجتماعی و اقتصادی موضوع است؛ همچنین، شامل مهارت‌های حقوقی است که به تدوین مناسب قوانین نیاز دارد. نمی‌توان چنین تخصص و دانش حقوقی را از پارلمانی که از طریق انتخابات عمومی به قدرت رسیده است، انتظار داشت. وظیفه دستگاه اجرایی است که تحقیقاتی را در مورد تهیه هر قانونی که توسط پارلمان در کشورهای مدرن پیشنهاد شده است، انجام دهد. این قوانین به روش فنی در دفاتر دولتی توسط متخصصان منصوب شده برای این منظور آموزش داده می‌شوند. سپس برای بحث و تصحیح و برای تصویب به مجلس ارائه می‌شوند (اسد،

۱۹۶۱: ص ۷۶). این نوع عمل برای اسلام پذیرفته شده است؛ زیرا هدف آن تحقق اصل مقبولیت عمومی است. آیه شورا به وضوح بیان می‌کند که نه تنها قوه مقننه، بلکه قوه مجریه نیز باید براساس شورا باشد (اسد، ۱۹۶۱: ص ۷۸). حل و فصل اختلاف‌ها بین دستگاه‌های قضایی و اجرایی یک مشکل بسیار مهم پیش رو است. لازم نیست همه اعضای دادگاه در مورد تصمیمات به توافق برسند، بلکه باید نظر اکثریت را پذیرفت. کلیه تصمیماتی که توسط دادگاه‌ها گرفته می‌شود باید نهایی باشد و برای تمام ارگان‌های دولت و همه مردم دنبال شود؛ مگر آنکه تصمیمات دیگری اتخاذ شود و موارد قدیمی اصلاح یا حذف شوند (اسد، ۱۹۶۱: ص ۷۹).

تعهد اطاعت

تا زمانی که دولت به اهدافی که شریعت بر شانه‌های خود قرار داده است برسد، حق مطلق همه شهروندان را برای پیروی از آن دارد. در همه موارد آسان و دشوار، خوشایند و قابل قبول نیست. این برای مسلمانان است که با دولت شریعت یکپارچه باشند، از آن حمایت کنند، به آن کمک کنند و همه مزایا، لذت و کالاهای جهانی و جان خود را فدای این وحدت کنند: «بدانید که خداوند وعده ورود به بهشت را به کسانی که در راه او کشته شده‌اند داده است» (توبه: ۱۱۱). در صورت لزوم، اسلام می‌تواند تعهدات نظامی را به هر کس که می‌تواند خدمات دفاع از میهن ارائه دهد، تحمیل کند (ابوداود، ۱۴۱۲ق: ص ۱۴۴).

مسئله جهاد

کلمه جهاد از فعل جهد گرفته شده است و این به معنای اتلاف قدرت در برابر شر است. به همین دلیل، پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) مقاومت در برابر خواسته‌ها و خواسته‌های شیطانی شخص را جهاد نفس می‌خواند و بزرگ‌ترین جهاد را «جهاد اکبر» می‌دید (حدیثی که از جبار بن عبدالله نقل شده است). اگر از کلمه جهاد درازای جنگ استفاده می‌شود به این دلیل است که کلمه جهاد در قرآن اغلب بدون استثنا برای دفاع از آزادی مذهبی، میهن یا جامعه استفاده می‌شود. بیشتر احادیث پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) درباره جهاد حاوی مفهوم فی سبیل‌الله است. مفهوم دولت اسلامی بر آموزه‌های قرآن و سنت ظهور می‌کند. طبق آموزه‌های اسلام، مشارکت هر مسلمانی هنگام تهدید خطر دشمن برای امنیت سیاسی و آزادی مذهبی وطن ضروری است. کسانی که به هر دلیلی قادر به جنگ نیستند، باید در تلاش عمومی شرکت کنند و با خرج کردن

اموال خود و ارائه سایر خدمات ملکی، در صورت امکان، بتوانند بخشی از این اقدامات را انجام دهند. وقتی این کار را کردند، کمتر از کسانی که در جبهه می‌جنگند نخواهند بود (اسد، ۱۹۶۱: ص ۸۴).

مرزهای اطاعت

اطاعت از دولت به یک تعهد شرعی تبدیل می‌شود که تا زمانی که شهروند مسلمان در کلیه اقدامات خود از مفاد پیروی کند، چه از نظر اصول و چه از طریق اجرای این اصول باشد، باید برای او محقق شود. در راستای رعایت اصل حمایت از وحدت امت اسلامی و صدابودن ساختار آن، نکته‌ای است که شریعت به روشنی بر آن تأکید می‌کند و آن اینکه کوچک‌ترین تلاش برای شکستن وحدت امت اسلامی و شکستن وحدت آن باید یک خیانت بزرگ تلقی شود که به یک جنایت بزرگ و حتی بزرگ‌ترین مجازات نیاز دارد.

پیشینه پژوهش

باتوجه به مبانی نظری و ادبیات پژوهش، محمد اسد براساس سفرها و فعالیت‌ها و اقداماتی که در طی سالیان طولانی انجام داده است، کتاب‌های متعددی تألیف کرده است: کتاب مبانی دولت و حکومت در اسلام، چاپ ۱۹۶۱ نخستین بار در سال ۱۹۶۱ در دانشگاه کالیفرنیا به چاپ رسید. این اثر به زبان‌های عربی و اردو و ترکی نیز ترجمه شد (اسد، ۱۹۶۱: ص ۴۲). محمد اسد در این کتاب، بنیادهای حکومت اسلامی را براساس دستورات قرآن کریم و سخنان پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله و سلم) تبیین کرده است. او معتقد است حاکمیت صحیح از سوی خداوند وضع می‌شود و پیروان نیز باید تمامی امور اقتصادی خویش را با توجه به این حکومت برقرار کنند. کتاب اصول و مبانی حکومت اسلامی دکتر محمد اسد، به زبان ترکی اولین بار در سال ۱۹۶۱ به چاپ رسیده و منبع اصلی پژوهش حاضر است. همچنین، تحقیقات متعددی توسط سایر اندیشمندان در حوزه حکومت اسلامی انجام شده است که در جدول زیر آمده است.

جدول ۱. پیشینه تحقیقات انجام شده در باب حکومت اسلامی

محقق	عنوان پژوهش	نتیجه پژوهش
سید محسن شیخ الاسلامی (۱۳۸۶)	«حکومت اسلامی و رهبری آن از نظر امام خمینی (رحمة الله علیه)»	امام خمینی (رحمة الله علیه) در نظریات فقهی خود درباره اداره نظام اسلامی و اجرای احکام شرع از استقرار و ایجاد «حکومت اسلامی» و یا «دولت اسلامی» نام برده‌اند. حکومت اسلامی حکومت قانون الهی بر مردم است. در حکومت اسلامی، حکومت‌کنندگان در اجرا و اداره مقید به مجموعه شرطی هستند که در قرآن کریم و سنت رسول اکرم (صلی الله و علیه و آله و سلم) معین شده است. امام خمینی (رحمة الله علیه) حفظ نظام جامعه اسلامی، جلوگیری از بی‌نظمی و هرج و مرج در میان امت اسلامی، حفظ حدود و ثغور کشور اسلامی از هجوم بیگانگان و اجرای احکام الهی را از جمله اهداف اصلی در استقرار حکومت اسلامی می‌دانند.
غلامرضا خواجه سروی (۱۳۹۵)	«بررسی مقایسه‌ای مردم‌سالاری دینی در نگاه آیت‌الله خامنه‌ای و آیت‌الله شمس‌الدین»	در طی پژوهش به نظریات مقام معظم رهبری در مورد حکومت اسلامی اشاره شده است. ایشان بیان کرده‌اند که روش‌های حکومت‌داری در نگاه مقام معظم رهبری، ارزش‌محور هستند؛ از این رو ایشان می‌فرمایند: «روش‌هایی که برای کسب قدرت و حفظ آن به کار گرفته می‌شود، باید روش‌های اخلاقی باشد. در اسلام، کسب قدرت به هر قیمتی، وجود ندارد. این طور نیست که کسی یا جمعی حق داشته باشند به هر روش و وسیله‌ای متشبث شوند، برای اینکه قدرت را به دست آورند. در اسلام، روش‌ها بسیار مهم‌اند؛ روش‌ها مثل ارزش‌ها هستند. در اسلام چنان‌که ارزش‌ها بسیار اهمیت دارند، روش‌ها هم اهمیت دارند و ارزش‌ها باید در روش‌ها هم خودشان را نشان دهند. امروز اگر می‌خواهیم حکومت ما به معنای حقیقی کلمه اسلامی باشد، بدون ملاحظه باید در همین راه حرکت کنیم. همه و همه باید سعی‌شان این باشد که برای کارها و پیشبرد اهدافشان، از روش سالم و اخلاقی استفاده کنند. استفاده از این روش ممکن است در جایی ناکامی‌ها و دردسرهایی را هم به لحاظ کسب قدرت به وجود آورد؛ اما در عین حال این متعین است که از نظر اسلام و از نظر امیرالمؤمنین، تشبث به روش‌های غیر اخلاقی به هیچ وجه صحیح نیست.
حسین خورشیدی (۱۳۹۴)	«بررسی مبانی وجودی حکومت اسلامی»	اسلام به‌عنوان یک دین، مکتب و ایدئولوژی و طرح بزرگ زندگی بشر در همه ابعاد آن به‌شمار می‌رود. یکی از مهم‌ترین لوازم ضروری حکومت اسلامی حکمرانی شخص آگاه به قوانین و مقررات اسلامی است تا بتواند جامعه را هدایت و از انحراف آن به‌سوی بی‌نظمی و هرج و مرج جلوگیری کند. ضرورت وجود حکومت اسلامی در منابع و مأخذ اسلامی (قرآن، سنت، اجماع و عقل) دقیقاً بیان شده است. همچنین، با دقت در منابع مذکور می‌توان به اهداف و سیاست‌های کلی حکومت اسلامی پی برد. منظور از سیاست‌های کلی، همان اصول ارزشی حاکم بر برنامه‌ریزی‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی است که یک حکومت اسلامی باید به آن پایبند باشد. اما با توجه به اینکه حکومت جمهوری اسلامی مصداق بارز حکومت اسلامی است، شیوه‌های اجرایی و روش‌های کاربردی هر یک از این اصول ممکن است با توجه به شرایط اجتماعی هر جامعه‌ای متفاوت باشد.

<p>مهم‌ترین هدفی که حکومت اسلامی به همراه دارد و با نظام‌های سه‌گانه انسانی هماهنگ است همانا دو چیز است: اول اینکه انسان‌ها را به قسمت خلیفه‌الله شدن راهنمایی کردن و مقدمات سیر و سلوک آن‌ها را فراهم کردن است و دوم اینکه کشورهای اسلامی را مدینه فاضله کردن و مبادی تمدن راستین را مهیا کردن و اصول حاکم بر روابط داخلی و خارجی را تبیین کردن است. نصوص دینی، اعم از آیات قرآن و متون احادیث و نیز سیره معصومان و پیشوایان الهی، اگر چه حاوی معارف فراوان و نکات آموزنده زیادی است، همانا عصارة همه آن‌ها دو رکن یادشده است.</p>	<p>«فلسفه و اهداف حکومت اسلامی»</p>	<p>آیت‌الله جوادی آملی (۱۳۷۱)</p>
<p>درباره حکومت اسلامی دیدگاه‌های گوناگونی از سوی دانشوران اسلامی مطرح شده است. برطبق دیدگاه خزان، اسلام تشکیلات کاملی را معرفی کرده است. برطبق عقیده عبدالرزاق، اسلام برای حکومت اصلاً تشکیلات ارائه نداده است. طبق دیدگاه عجلانی، اسلام تشکیلات بسیط را ارائه داده و اعمال کرده است و برای توسعه آن هم معیارهایی جاویدان مقرر کرده است. برطبق دیدگاه نواف، اسلام تشکیلات دارد ولی ما نمی‌دانیم و مجهول است و هنوز شناخته نشده است، شاید بعداً شناخته شود.</p>	<p>«ساختار حکومت اسلامی (دیدگاه‌ها و نظریه‌ها)»</p>	<p>سید صمصام‌الدین قوامی (۱۳۹۰)</p>

برطبق پژوهش‌های انجام‌گرفته در حوزه حکومت اسلامی - همان‌طور که مشخص است - از دیدگاه تمام اندیشمندان، حوزه حکومت اسلامی حوزه مهمی است و لزوم توجه به آن ضروری است. دیدگاه‌های یادشده با دیدگاه‌های محمد اسد در راستای ایجاد حکومت اسلامی، فلسفه حکومت اسلامی، توجه به شأن و مقام انسانی و همچنین، برپایی قوانین براساس اسلام و قرآن و دیدگاه‌های پیامبران هم‌راستا است.

روش تحقیق

روش تحقیق حاضر کیفی و از نوع تحلیل انتقادی است. بعضی از مشهورترین رهیافت‌ها به تحلیل انتقادی به ون دایک، وداک و فرکلاف تعلق دارد؛ باین‌حال، «تحلیل گفتمان انتقادی» بیشتر در اشاره به رهیافت فرکلاف به‌کار می‌رود (فرقانی و اکبرزاده جهرمی، ۱۳۹۰: ص ۱۳۶).

دیدگاه نورمن فرکلاف درباره تحلیل انتقادی به‌عنوان روشی مطرح می‌شود که می‌توان از آن در پژوهش‌های اجتماعی و سیاسی استفاده کرد. فرکلاف رویکرد خود را مطالعه انتقادی زبان می‌نامد و اولین هدف را که بیشتر جنبه نظری دارد «کمک به تصحیح کم‌توجهی گسترده نسبت به زبان در تولید، حفظ و تغییر روابط اجتماعی قدرت» و دومین هدف را که کاربردی‌تر است «کمک به افزایش آگاهی نسبت به چگونگی نقش سلطه زبان» می‌داند. این رویکرد اکنون یکی از جامع‌ترین چهارچوب‌های تحلیل انتقادی است. الگوی تحلیل فرکلاف نشئت‌گرفته از رابطه و تعامل میان

قدرت و زبان است. فرکلاف دو نوع قدرت و زبان را مطرح می‌کند که عبارت‌اند از قدرت در زبان و قدرت در پشت زبان. او تحلیل گفتمان انتقادی را شامل متن و معرفت‌های اجتماعی تولید و تفسیر متن می‌داند و بر این باور است که این معرفت‌های اجتماعی به سه سطح متفاوت سازمان اجتماعی مرتبط هستند: سطح اول، شرایط اجتماعی یا محیط اجتماعی بلافصل (immediate) که گفتمان در آن حادث شده است؛ سطح دوم، نهاد اجتماعی که گفتمان را در گستره‌ای وسیع دربر می‌گیرد و سطح سوم، جامعه به‌منزله یک کل. فرکلاف گفتمان را در سه سطح بررسی می‌کند: اول، گفتمان به‌مثابه متن؛ دوم، گفتمان به‌مثابه اعمال گفتمانی و کنش متقابل میان تولید و تفسیر متن و در نهایت، گفتمان به‌مثابه زمینه متن به معنای روابط کنش‌های گفتمانی و بسته‌های اجتماعی، سیاسی، تاریخی و فرهنگی. از نظر فرکلاف، به‌واسطه تحلیل گفتمان انتقادی، حوزه‌های علمی علوم اجتماعی و زبان‌شناسی در یک چهارچوب تئوریک و تحلیل واحد، با یکدیگر جمع می‌شوند و دیالوگی در میان آن‌ها ایجاد می‌شود (فرکلاف، ۱۳۷۹: صص ۱۶۸-۹۶). از دید فرکلاف، ریشه تغییرات اقتصادی و اجتماعی به مقدار قابل توجهی در تغییرات زبان و گفتمان نهفته است. بدین معنی تحلیل گفتمان انتقادی می‌تواند با ارائه استدلال‌های نظری در مورد اینکه این دگرگونی‌ها چیستند، چگونه به‌وجود آمده‌اند و ممکن است به چه صورت درآیند و اینکه چه کسانی می‌توانند در این شرایط زندگی خود را ساخته یا بازسازی کنند، مفید واقع شود.

فرکلاف سه مرحله توصیف (Description)، تفسیر (Interpretation)، تبیین (Explaination) را برای تحلیل گفتمان انتقادی مطرح می‌کند؛ توصیف مرحله‌ای است که با ویژگی‌های صوری متن ارتباط دارد. تفسیر به ارتباط میان متن و تعامل می‌پردازد و مرحله سوم، یعنی تبیین، به بیان ارتباط میان تعامل و بافت اجتماعی می‌پردازد.

یافته‌های پژوهش

نقد دال محوری نظریه حکومت اسلامی دکتر محمد اسد

مدیریت اسلامی مدیریتی عقلانی است و براساس ساختار و فطرت و سرشت انسانی همه تلاش خود را در جهت شأن و منزلت انسان به‌کار می‌گیرد و برای استقرار عدالت و رفع تبعیض و حاکمیت عقل و ارزش‌های اصیل و تربیت انسان در ابعاد مختلف برنامه‌ریزی می‌کند (ساجدی‌نیا، ۱۳۸۲: ص ۲۱). زمانی که صحبت از مدیریت در اسلام می‌شود، ابتدا منظور اداره امور و بهره‌برداری صحیح از نعمت‌های الهی براساس اعتقاد به جهان‌بینی توحیدی است، یعنی کلیه اعمال و رفتار

انسان‌ها و یا مدیران باید بر مبنای جهان‌بینی توحیدی باشد و فلسفه توحیدی ایجاب می‌کند که اعمال یک مدیر، علاوه بر انطباق با جهان‌بینی توحیدی، با اصول و اهداف جامعه اسلامی نیز تطبیق داشته باشد (مشرف جوادی، ۱۳۷۸: ص ۲۶۳).

محمد اسد در سال ۱۹۲۱ خبرنگار تلگراف یونایتد بود. بعد از گذشت چندین سال به کشورهای مختلف خاورمیانه سفر کرد و در سال ۱۹۲۷ به دین اسلام گروید و مسلمان شد. او در ۱۹۵۲ نماینده پاکستان در سازمان ملل بود. کتاب اصول حکومت اسلامی را براساس مقاله «ایجاد یک قانون اساسی اسلامی» که در ۱۹۱۸ منتشر کرده بود، به نگارش درآورده است. محمد اسد مسئولیت ایجاد بنیادهای فکری و اجتماعی را بر عهده داشته است. در آن زمان هم مردم و هم دولت از ایده ایجاد یک حکومت واقعی اسلامی که صرفاً براساس ایدئولوژی قرآن و سنت است، برخلاف همه سیستم‌های موجود سیاسی حمایت می‌کرده‌اند؛ باین حال، درک درستی از مدیریت اسلامی نداشتند. محمد اسد با بیان این مطلب که در دوره عباسی به قانون سیاسی اسلام اشاره کرده‌اند، این قوانین را با شرایط و نیازهای جوامع کنونی برای پاسخ‌دادن به نیازهای یک دولت اسلامی در قرن بیستم متناسب نمی‌داند. محمد اسد در این راستا با مراجعه به منابع اصلی قرآن و سنت در تلاش برای تدوین قانون اساسی پاکستان بوده است. بی شک هیچ اثری عاری از عیب و ایراد نیست، کتاب دکتر محمد اسد هم در کنار نکات مثبت، از جنبه‌های نظری و پارادایمیک کمبودهایی نیز دارد. عدم تعریف منطقی مدیریت اسلامی در متن کتاب مشهود است؛ باین حال، با تشریح ساختار حکومت اسلامی و نقش مردم قدم‌های مثبتی در زمان ارائه کتاب برداشته است، اما امروزه نیاز به بسترسازی و تبیین اصول نظری بیش از پیش احساس می‌شود. ضرورت تبیین چپستی، چرایی و چگونگی مدیریت اسلامی نیز از مباحث مهمی است که در متن کتاب به طور شفاف به آن اشاره نشده است. پیشرفت در هر عرصه‌ای مستلزم طراحی الگوی مناسب خود است و تدوین این مهم نیز تابعی از دانش و نظریه است (خسروپناه، ۱۳۹۲)، با توجه به بنیان‌های نظری پارادایم مدیریت اسلامی، دکتر محمد اسد چهارچوب و الگوی واضحی از مدیریت اسلامی ترسیم نکرده و فقط به بیان ساختار حکومت اسلامی بسنده کرده است، محمد اسد به دلیل داشتن پست‌های اجرایی از جمله وزیر امور خارجه و نماینده دولت پاکستان در سازمان ملل، باید بر تدوین اصول و مبانی مدیریت اسلامی و حکومت‌داری اسلامی متمرکز می‌شد که صرفاً به صورت تئوریک فقط ساختار یک حکومت اسلامی را مطرح کرده است و اصول و مبانی مدیریت و حکومت اسلامی را مطرح نکرده است. او با بیان مثال‌هایی از زمان صدر اسلام در تلاش برای

انطباق مسائل اسلامی زمان صدر اسلام با مسائل ۱۴۰۰ سال بعد بوده است، مسائل جدیدی مانند قوا، دولت و حکومت اسلامی را با دولت و حکومت سکولار مقایسه کرده است؛ در این راستا، در تلاش برای تطبیق با مسائل روز جوامع کنونی نیز بوده است. امروزه اصول و چهارچوب نظری مدیریت اسلامی بیشتر از قبل مورد توجه است؛ چراکه برای پیاده‌سازی و اجرا ابتدا نیازمند بنیان‌های نظری قدرتمند هستیم تا بتوانیم کارکنان و سازمان‌های متناسب با الگوهای اسلامی ایجاد کنیم. کارگزاران حکومت اسلامی و نیروی انسانی سازمان‌ها ارزشمندترین سرمایه موجود هستند و برای اسلامی‌سازی آموزش و توسعه نیروی انسانی نیازمند طراحی الگوهای توسعه منابع انسانی اسلامی هستیم (ویسی، ۱۳۸۵: ص ۱۴). نگارنده اشاره‌ای به تربیت کارگزاران حکومتی و نیروی انسانی نکرده است که یکی از خلأهای کتاب به‌شمار می‌آید، مباحث مربوط به نقش امت اسلامی در اداره جامعه قابل تأمل است. زندگی گهربار امامان و معصومان نکته‌های بسیاری در باب اداره جامعه اسلامی دارد که نگارنده می‌توانست بیشتر مورد توجه قرار دهد.

ملاک او در نگارش این کتاب شرایط آن زمان کشورهای اسلامی به‌ویژه پاکستان بوده است. دنیای اسلام در آن زمان بیشتر درگیر ماهیت حکومت و اجزای اصلی آن بود؛ بنابراین، فقط به تشریح اجزای اصلی حکومت اسلامی پرداخته است. در زمان تدوین کتاب، پایه‌های حکومت‌داری به شکل اسلامی و ثبات حکومت اسلامی تحقق نیافته بود. دغدغه محمد اسد در آن زمان مشخص کردن قوا و اجزای آن بوده است تا بدین‌صورت به تشکیل حکومت اسلامی نائل شود و به بیان اصول اساسی مدیریت اسلامی نپرداخته است.

با ترسیم یک جامعه اسلامی و نیاز به حکومت اسلامی در آن جامعه سعی در شناساندن مباحث مهم حکومتی موجود در شریعت را داشته است، اما از دیدگاه نظری از ارائه اصول و بنیان‌های پارادایمی غفلت کرده و صرفاً به تشریح سطوح حکومت اسلامی پرداخته است. از نظر اولویت‌بندی مطالب نیز نگارنده صرفاً براساس مواردی که در پی هم آمده، اقدام به نگارش کرده است و ترتیب منطقی در فصول حاکم نیست.

نکته‌های اصلی آرای دکتر محمد اسد در جدول زیر آمده است.

جدول ۲. خلاصه نکات اصلی آرای دکتر محمد اسد

جدایی‌ناپذیری مذهب از سیاست یکی از ویژگی‌های متمایز تاریخ اسلام است. کسی که به‌طور سطحی درمورد آموزه‌های اسلام آگاه است، می‌داند که آموزه‌های اسلام نه تنها روابط انسان با خالق را تنظیم می‌کند، بلکه نظم اجتماعی را نیز فراهم می‌کند.	دولت اسلامی
--	-------------

دین و اخلاق	مسائل اخلاقی در مرزهای علم نیست؛ برعکس، مسائل اخلاقی کاملاً و تنها در محدوده دین قرار دارند.
عرصه شریعت اسلامی	همه دستورها و ممنوعیت‌های حقوق‌دانان مسلمان براساس قرآن یا سنت تعیین می‌شود. بیشتر مفاهیم فقه بازتابی از تجلیات است. شریعت یک وحی الهی است.
اشکال سیاسی اسلام	اسلام به‌طور مداوم خواستار پیشرفت در جنبه‌های اجتماعی و همچنین، جنبه‌های سیاسی زندگی است. عصر خلیفه‌ها و امام علی (علیه‌السلام) شروع خوبی برای سیاست‌های اسلامی بود.
یک حکومت براساس انتخابات و اهداف دولت اسلامی	هدف اصلی دولت اسلامی این است که از وجود ارگان‌های سیاسی اطمینان حاصل شود که وحدت امت اسلامی و همبستگی افراد امت را تضمین می‌کند.
رئیس دولت	هدف اصلی و واقعی دولت تنها می‌تواند به منظور ایجاد یک نظم درونی باشد که در آن شریعت اسلامی در هر جنبه‌ای از زندگی اجتماعی اعمال می‌شود.
اصل شورا	قوانین مبتنی بر اجتهاد را نمی‌توان به افراد واگذار کرد، قانون‌گذاران جدید مجاز به استفاده از نظرات یک یا چند فقیه درباره هر موضوعی هستند و در مورد امور مشترک، مشورت و تصمیم‌گیری می‌کنند.
روابط متقابل بین نهادهای قانونی و اجرایی	دستور اسلامی امیر که وظیفه خود را به‌عنوان رئیس دولت (رئیس قوه مقننه) انجام می‌دهد، همراه با امور مقننه، امور قوه مجریه را هم انجام می‌دهد؛ بنابراین اسلام دوارگان (قانون‌گذاران و اجرایی) را از هم جدا نکرده است.
تحلیل تاریخی	تاریخ نشان می‌دهد که در دوره خلفا هیچ هیئت قانون‌گذاری به معنای معاصر وجود نداشت. با این حال، شکی نیست که خلیفه‌ها از طریق رایزنی‌های مربوط به کلیه موضوع‌های مهم سیاست دولت، دیدگاه‌های قابل توجه جامعه را دریافت کردند. خلیفه مشاوره‌های خود را انجام می‌داد، سپس اوضاع را از هر طریق اداره می‌کرد و سپس مسیری را که از نظر وی مناسب بود، دنبال می‌کرد.
هیئت اجرایی	دولت اسلامی باید براساس همبستگی بین دستگاه‌های اجرایی و قانون‌گذاری، که در شخصیت فرمانده متحد هستند، اداره شود.
ساختار دولت	تمام اختیارات و وظایف اداری باید به‌تنهایی به فرمانده سپرده شود و او باید درقبال سیاست دولت در مقابل شورای شورا و در نتیجه در برابر مردم پاسخگو باشد.
ادغام نهادهای قانونی و اجرایی	اقدامات دستگاه‌های حاکم در ایالت براساس مشاوره سیاسی انجام می‌شود که توسط دستگاه‌های قوه مقننه و مجریه با مشارکت نمایندگان منتخب مردم از ابتدا تا انتها دنبال خواهد شد.
تعهد اطاعت	انتخاب رئیس جمهور به این معنی است که همه مردم بیعت کرده‌اند. او نه تنها مسئولیت اکثریتی را که به او رأی دادند به عهده می‌گیرد، بلکه مسئول اقلیت دیگری نیز که علیه وی رأی می‌دهند نیز است.
مسئله جهاد	به معنای ائتلاف قدرت در برابر شر است. به همین دلیل، پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله و سلم) مقاومت در برابر خواسته‌ها و خواسته‌های شیطانی شخص را جهاد نفس می‌خواند و بزرگ‌ترین جهاد را جهاد اکبر می‌دید (حدیثی که از جبار بن عبدالله نقل شده است). اگر از کلمه جهاد درازای جنگ استفاده می‌شود، به این دلیل است که کلمه جهاد در قرآن اغلب بدون استثنا برای دفاع از آزادی مذهبی، میهن یا جامعه استفاده می‌شود.

اطاعت از دولت به یک تعهد شرعی تبدیل می‌شود که باید برای شهروند مسلمان محقق شود، تا زمانی که در کلیه اقدامات خود از مفاد پیروی کند، چه از نظر اصول و چه از طریق اجرای این اصول.	مرزهای اطاعت
دکتر محمد اسد چهارچوب و الگوی واضحی از مدیریت اسلامی ترسیم نکرده و فقط به بیان ساختار حکومت اسلامی بسنده کرده است؛ همچنین، اشاره‌ای به تربیت کارگزاران حکومتی و نیروی انسانی نکرده است که یکی از خلاهای کتاب به‌شمار می‌آید. ملاک در نگارش این کتاب شرایط آن زمان کشورهای اسلامی به‌ویژه پاکستان بوده است. دنیای اسلام در آن زمان بیشتر درگیر ماهیت حکومت و اجزای اصلی آن بود و بنابراین، فقط به تشریح اجزای اصلی حکومت اسلامی پرداخته است. از دیدگاه نظری از ارائه اصول و بنیان‌های پارادایمی غفلت کرده و صرفاً به تشریح سطوح حکومت اسلامی پرداخته است. زندگی گهربار امامان و معصومان را مورد توجه قرار نداده است؛ باین‌حال، مباحث مربوط به نقش امت اسلامی در اداره جامعه قابل تأمل است. از نظر اولویت‌بندی مطالب نیز نگارنده صرفاً بر اساس مواردی که در پی هم آمده، اقدام به نگارش کرده است و ترتیب منطقی در فصول حاکم نیست.	نقد نظریه دکتر محمد اسد

در جدول بالا، خلاصه‌ای از دیدگاه دکتر محمد اسد درباره حکومت اسلامی بیان شده و نقد دال بر نظریه نیز بیان شده است.

بحث و بررسی و نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه دغدغه اصلی دکتر محمد اسد، اجرای شریعت در کشور و کشورهایی بوده است که اکثریت مردم آن‌ها مسلمان و دارای اکثریت قریب به یقین مسلمانان هستند؛ علاوه بر اینکه مشکلی با اجرای شریعت ندارند، بیشتر خواستار قوانینی هستند که از همین شریعت استخراج شده و دغدغه دکتر محمد اسد نیز همین بوده است که بتوانیم شریعت را به‌طور دقیق با توجه به تغییرات و تحولاتی که در جهان امروزه وجود دارد پیاده‌سازی کنیم، نه با توجه به شرایط موجود در صدر اسلام؛ و در صورتی که بتوانیم این قوانین را استخراج کنیم، می‌توانیم کشوری بر پایه شریعت اسلامی و همچنین، مدیریتی بر اساس آموزه‌های اسلامی داشته باشیم. ویژگی یک کشور اسلامی داشتن قوانین و مقررات بر پایه دین مبین اسلام است که پارادایم حکومت اسلامی می‌تواند در این راه پیچیدگی اداره کشور را هموارتر کند. بررسی کتب و نوشته‌های معاصر نشان می‌دهد که این موضوع برای جامعه دانشگاهی و پژوهشگران اهمیت دارد. اما در مقام اجرا و پیاده‌سازی تاکنون قدم‌های جدی و محکمی برداشته نشده است. سازمانی که در یک کشور اسلامی فعالیت می‌کند و بانکی که برای مردم مسلمان کار می‌کند باید مطابق با اصول شرع عمل کند. تدوین اصول حکومت اسلامی برای اجرا در سازمان‌ها امری ضروری است.

مهم‌ترین سرمایه یک سازمان نیروی انسانی آن است. در یک سازمان اسلامی ما نیازمند

نیروهای متخصصی هستیم که در کنار تخصص، به اصول و موازین دینی نیز داشته تعهد باشد. با داشتن چنین نیروهایی مقوله‌های مدیریت منابع انسانی و رفتار سازمانی هم به سمت اسلامی شدن پیش خواهد رفت. مدیران ارشد وظیفه سیاست‌گذاری یا به عبارت مدیریتی خطومشی‌گذاری را بر عهده دارند. این مدیران باید خطومشی‌هایی مطابق با اصول حکومت اسلامی پایه‌ریزی کنند تا مدیران میانی و عملیاتی سهم خود را در اجرا و پیاده‌سازی ایفا کنند. با توجه به کتب و مقالات متعددی که در سال‌های اخیر منتشر شده است، به نظر می‌رسد از بعد تئوری و پژوهش پارادایم حکومت اسلامی تا حدود زیادی غنی شده است اما مسئله اصلی در حوزه اجراست. پیچیدگی‌های جامعه اسلامی نسبت به صدر اسلام افزایش یافته است و در واقع، این پیچیدگی‌ها نیازمند طراحی اصول اساسی پارادایم حکومت اسلامی است. کشورهای غربی و نظام مدیریت غربی بر جامعه و حکومت اسلامی تأثیر فراوانی گذاشته است و باید رویکردی بینابینی را مدنظر قرار داد و اصول مدیریتی غربی که سازگار با شرع و پارادایم حکومت اسلامی است را در نظر گرفت و از اصولی که سازگار با جامعه و حکومت اسلامی نیستند، چشم‌پوشی کرد و با توجه به سیره نبوی و ائمه معصومین و کتب متعددی که در این زمینه کار شده است برای طراحی و پیاده‌سازی اصول سازمان توحیدی و اسوه گام برداشت. سازوکارهای پیاده‌سازی اصول سازمان توحیدی و اسوه هنوز ایجاد نشده و مدیریت منابع انسانی هنوز در ورای اندیشه‌های غربی مانده است. اصول حکومت اسلامی در سیره نبوی و امامان معصوم به وفور دیده می‌شود. امروزه وظیفه متولیان و سیاست‌گذاران کلان کشور ابلاغ اصول حکومت اسلامی است تا در اجرای آن گام جدی و عملی برداشته شود. بسیاری از کژکارکردهای سازمانی و بانکی با استفاده از اصول حکومت اسلامی قابل حل است. اگر عملکرد سازمان‌ها در امر پاسخ‌گویی و حساب‌پس‌دهی زیر سؤال رفته است دلیل آن فاصله گرفتن از اصول شرعی است. اسلام و پارادایم حکومت اسلامی برترین شیوه‌های مدیریت و اداره جامعه را دارد. کافی است زندگی پیامبر گرامی اسلام، امیرالمؤمنین و دیگر معصومین را مطالعه کنیم. پاسخ‌گویی در برابر خداوند شاه‌کلید موفقیت مدیران و سیاست‌گذاران جامعه اسلامی است.

با توجه به ترجمه کتاب دکتر محمد اسد که انجام شده است، دغدغه دکتر محمد اسد، برپایی دولت و حکومتی براساس شریعت و قوانین اسلام است و با به‌کارگیری مباحثی چون شورا و قوای سه‌گانه این پیشنهاد را مطرح می‌کند که ما از دل شریعت، قوانینی برای شکل‌گیری حکومت اسلامی استخراج کنیم و مدیریتی برپایه اسلام ایجاد کنیم، اما اگر به‌طور امروزی‌تر به دغدغه‌ها و

نظریات دکتر محمد اسد بنگریم؛ در واقع، به شکل سازمانی مدیریت اسلامی اشاره نکرده و بیشتر بر پایه شکل‌گیری حکومت و اداره جامعه صحبت کرده است که امروزه اداره جامعه و شکل‌گیری حکومت برای سازمان‌های کشور مسئله‌ای اساسی و مهم است و در واقع باید اصولی را طراحی کرد که سازمان‌ها بر پایه قوانین اسلامی حرکت کنند و نیروی انسانی متعهد به قوانین شرعی و اسلامی تعلیم و تربیت کنند که در کتاب دکتر محمد اسد به این موارد اشاره‌ای نشده است. نتیجه گرفته می‌شود که دکتر محمد اسد دغدغه شکل‌گیری یک حکومت اسلامی را مطرح و سپس روابط بین قوا را ایجاد می‌کند و برای حل و فصل مسائل یا برای تشکیل دولت مسائلی چون شورا و قواها را مطرح می‌کند که در آن به بنیان‌ها و پایه‌های اساسی شکل‌گیری یک حکومت اسلامی که در دل آن مدیریت اسلامی هم جای دارد اشاره شده است. با توجه به اینکه در این پژوهش، ضمن بررسی کتاب اصول و مبانی حکومت اسلامی دکتر محمد اسد به بیان دیدگاه‌های ایشان پرداخته شده است؛ از این رو، پیشنهاد می‌شود طی تحقیقات بعدی به سایر آثار دکتر محمد اسد رجوع و از آثار گران‌بها و گران‌قدر ایشان استفاده شود تا جامعه علمی از این آثار با ارزش بهره‌مند شود. همچنین، پیشنهاد می‌شود از اصول و مبانی بیان‌شده توسط دکتر محمد اسد برای تقویت روابط بین قوا و حل و فصل مسائل و تشکیل دولت و بنیان‌ها و پایه‌های اساسی شکل‌گیری یک حکومت اسلامی استفاده شود.

کتابنامه

۱. قرآن کریم. ترجمه الهی قمشه‌ای.
۲. نهج البلاغه. ۱۳۷۹. ترجمه دشتی. انتشارات مشهور.
۳. ابن حنبل، احمد بن محمد. ۱۴۱۶. مسند الامام احمد بن حنبل. لبنان. بیروت: مؤسسه الرساله.
۴. ابوداود، سلیمان. ۱۴۱۲ق. «سنن ابوداود». بیروت: دار الجبل.
۵. ابوذر، غفاری. ۱۴۰۳. «جندب بن جناده». قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۶. بخاری جعفری، محمد بن اسماعیل. ۲۵۲ق. صحیح بخاری. ج ۸. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۷. بلاذری، أحمد بن یحیی بن جابر. ۲۷۹م. ۱۴۱۷. کتاب جمل من انساب الأشراف. تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی. جلد ۱۰. بیروت: دارالفکر.
۸. جوادی آملی، آیت‌الله. ۱۳۷۱. «فلسفه و اهداف حکومت اسلامی». فصلنامه علمی پژوهشی فرایند مدیریت و توسعه. دوره ۶. شماره ۳. صص ۱۵-۱.

۹. خاکی، غلامرضا. ۱۳۸۹. «روش تحقیق مدیریت». جلد ۵. تهران: انتشارات بازتاب.
۱۰. خسروپناه، عبدالحسین؛ بانشی، عباداله. ۱۳۹۲. مقاله «تأملی بر مبانی نظریه‌پردازی غرب و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و ضرورت آن در حوزه رهبری سازمانی». مجموعه مقالات دومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت [کتاب]: مفاهیم، مبانی و ارکان پیشرفت. ۱۳۹۲. صص: ۳۰۷-۳۲۵. تهران: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
۱۱. خواجه سروری، غلامرضا. ۱۳۹۵. «بررسی مقایسه‌ای مردم‌سالاری دینی در نگاه آیت‌الله خامنه‌ای و آیت‌الله شمس‌الدین». فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست. سال پنجم. شماره ۱۷.
۱۲. خورشیدی، حسین. ۱۳۹۴. «بررسی مبانی وجودی حکومت اسلامی». فصلنامه حبل‌المتین. دوره چهارم. شماره یازدهم.
۱۳. ساجدی‌نیا، محمدحسین. ۱۳۸۲. «اصول و مبانی مدیریت اسلامی». تهران: شهر آشوب.
۱۴. شیخ‌الاسلامی، سید محسن. ۱۳۸۴. «حکومت اسلامی و رهبری آن از نظر امام خمینی (ره)». فصلنامه حکومت اسلامی. شماره ۱۲.
۱۵. فرقانی، محمد مهدی؛ اکبرزاده جهرمی، سید جمال‌الدین. ۱۳۹۰. «ارائه مدلی برای تحلیل گفتمان انتقادی فیلم». فصلنامه مطالعات فرهنگ - ارتباطات. شماره ۱۶. صص ۱۵۷-۱۲۹.
۱۶. فرکلاف، نورمن. ۱۳۷۹. تحلیل گفتمان انتقادی. ترجمه فاطمه شایسته پیران، پیروز ایزدی، شعبانعلی بهرام‌پور، محمود نیستانی، رضا ذوقدارمقدم، رامین کریمیان، محمد جواد غلامرضا کاشی. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها. چاپ اول.
۱۷. قوامی، سید صمصام‌الدین. ۱۳۹۰. «ساختار حکومت اسلامی». حکومت اسلامی. سال چهارم. شماره اول.
۱۸. مشرف جوادی، محمدحسین. ۱۳۷۸. اصول و متون مدیریت در اسلام. همدان: انتشارات نور علم.
۱۹. ویسی، غلامرضا؛ سوادی، محمدعلی. ۱۳۸۵. «رفتار سازمانی در نگاه مدیریت اسلامی». قم: زمزم هدایت.
20. Asad, Muhammad. 1982. **Islam at the crossroads**. Gibraltar. Dar Al- Andalus.
21. _____. 1999. **The Principles of State and Government in Islam**. Kuala Lumpur, Islamic Book Trust.
22. _____. 2001. **The law ours and other essays**. Kuala Lumpur. Is-

Islamic Book Trust.

23. _____, 2004. **The road to Mekka**. New Delhi. Islamic Book Service.

24. Esad, Muhammed. 1961. **İSLAM'DA YÖNETİM BİÇİMİ**.

25. Ibn hazm. 2017. **Foundational Islamic Principles**.